

بررسی پیامدهای گرایش جوانان به تعدد روابط با جنس متفاوت

زهرا خوانین زاده^۱

ابراهیم نعیمی^۲

کیومرث فرح بخش^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین پیامدهای گرایش جوانان به تعدد روابط با جنس متفاوت صورت گرفت. برای درک تجربه مشارکت کنندگان، این تحقیق به روش کیفی از نوع نظریه زمینه‌ای انجام گرفت. جامعه آماری دختران و پسران مجرد ۲۵ تا ۳۵ ساله ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۶ بودند که از این تعداد با روش نمونه‌گیری هدفمند و تا اشباع اطلاعات، ۲۴ نفر (۱۳ دختر و ۱۱ پسر) انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته استفاده شد و تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش کلایزی (کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی) صورت پذیرفت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مهم‌ترین پیامدهای تعدد رابطه با جنس مخالف از دیدگاه افرادی که در این گونه روابط درگیر هستند، عبارتند از: کارکرد مثبت، بی‌ثباتی و ابهام در برقراری ارتباط اصلی در آینده، کاهش کارکرد روابط بین فردی، ازدواج‌های پرخطر، آسیب‌های احساسی و روحی و آسیب‌های جسمی. با توجه به تحقیق حاضر در رابطه با پیامدهای این گونه روابط می‌توان نتیجه گرفت، تعدد روابط باعث آسیب‌های درونی و بین فردی زیادی می‌شود که در نهایت منجر به ناکارآمدی خانواده و کیفیت پایین ارتباطات در خانواده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: روابط با جنس متفاوت، جوانان، پیامدها، کیفی

۱- کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) khavaninzade_m@yahoo.com

۲- استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

انسان‌ها برای ادامه زندگی، به دوستی با یکدیگر نیازمندند، زیرا در این دوستی‌ها است که اطلاعات و گرایش‌ها و اشتیاق‌ها مبادله می‌شود (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۶). همچنین ارتباط میان فردی، اساس و شالوده هویت و کمال انسان است (کرمی پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۱). انسان در طول رشد خود، پیوسته برای بقا و پیشرفت خویش، محتاج ارتباط با دیگران است که بین این امر با سلامتی، رابطه نزدیکی وجود دارد (عسگری، ۱۳۹۰: ۸۵). از جمله هدف‌های رفتارهای ارتباطی، هدف عاطفی است که شامل دوستی، خویشاوندی و روابط همسایگی (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). این رابطه عاطفی و دوستی، در ارتباط با جنس متفاوت، شرایط متنوعی را به وجود می‌آورد. زمانی که این ارتباط پیش از ازدواج برقرار می‌شود، به جهت پیچیدگی رابطه ممکن است چندین هدف مختلف را داشته باشد (زارع شاه‌آبادی و سلیمانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰). از طرفی یک تکلیف رشدی اجتماعی مهم برای نوجوانان و جوانان است که در تعامل با بستر فرهنگی هر جامعه شکل می‌گیرد که ممکن است شکل سالم یا آسیب‌زا به خود بگیرد (اسدیان، محمدزاده و نجفی، ۱۳۹۴: ۵۱۰).

از طرف دیگر، در یک نگاه کلی می‌توان گفت که تعاملات دوستی میان دختران و پسران، شاید پیامد بخشی از فرایند نوگرایی در جامعه در حال گذار ما باشد (اسدیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۱۱) که همراه با تغییرات نظام ارزشی و ساختار اقتصادی ایران، زمینه بروز الگوهای نوینی از رفتارهای جدید در میان بخشی از جوانان را فراهم کرده است؛ شکل‌گیری ارزش‌هایی نوین و پیدایش الگوهای جدیدی از رفتار که به مثابه پاسخ‌هایی به نیازهای درونی ارضا نشده آنان عمل می‌کند (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۳۷). فیورمن و کالینز^۱ (۲۰۰۹) رابطه عاطفی^۲ را که مطابق با این پژوهش است، این‌گونه تعریف می‌کنند: «تعاملات داوطلبانه متقابل مستمر؛ در مقایسه با اغلب روابط متناظر، روابط عاطفی نوعاً نیرومندی متمایزی دارند که معمولاً با بیان عواطف و رفتارهای جنسی فعلی یا پیش‌بینی شده، مشخص می‌شود».

بر اساس نتایج پژوهش زارع شاه‌آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱)، ۳۶/۷ درصد از دانشجویان با یک نفر از جنس متفاوت و ۲۷/۵ درصد از آن‌ها با بیش از یک نفر ارتباط دوستی داشتند. همچنین یافته‌های تحقیق اسدیان و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که ۴۷/۳ درصد از دانشجویان سابقه دوستی با جنس متفاوت را داشتند و این مورد در بین گروه مذکر بیشتر از گروه مؤنث بود. در تحقیقی که به شیوع روابط

^۱. Collins

^۲. Romantic Relationship

جنسی پیش از ازدواج در نوجوانان پرداخته بود، ۲۴ درصد از شرکت‌کنندگان گزارش کردند که درگیر چنین روابطی بوده‌اند. این روابط در نوجوانانی که در مناطق شهری زندگی می‌کردند و پول‌توجیبی بیشتری در ماه دریافت می‌کردند، شایع‌تر بود (اولژیرا، بهرمان، و رکو^۱، ۲۰۱۲: ۱۲۵). در تحقیق اوون و فینچام^۲ (۲۰۱۱) و لایونز، منینگ^۳، جیوردانو و لانگمور^۴ (۲۰۱۳)، دختران به‌طور معناداری شرکای کمتری در مقایسه با پسران داشتند. در رابطه با تفاوت‌های جنسیتی و تاثیر آن بر تعدد روابط می‌توان گفت: تفاوت‌های زن و مرد بر اساس اندام‌های تناسلی، هورمون‌ها و ساختار مغز طبقه‌بندی می‌شود (دکمن^۵، ۲۰۰۹: ۱۲۰ و مک‌لانتی و ادوارد^۶، ۲۰۰۹: ۸۴) و نوجوانان هنگام بلوغ شناختی خود را به عنوان زن و مرد دسته‌بندی می‌کنند و سعی می‌کنند همانطور که فکر می‌کنند، رفتار کنند (تاپل^۷، ۲۰۱۲: ۷۵) و عملکرد افراد در ارتباط با جنس متفاوت در سایر رفتارهایشان اثر می‌گذارد (یانک^۸، ۲۰۱۸: ۹۶). انگیزه پسران برای آشنایی و شروع چنین روابطی تمایلات جنسی است اما زنان بیشتر با انگیزه به دست آوردن حمایت و مراقبت فیزیکی برای خودشان، به دنبال چنین روابطی هستند (بلسک و باس^۹، ۲۰۰۱: ۱۳۱۲). یافته‌های تحقیق زارع شاه‌آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱) هم بیانگر این است که دختران بیشتر اعتقاد دارند انگیزه افراد از این روابط، ازدواج کردن و برآوردن نیاز جنسی است، درحالی‌که پسران بیشتر معتقدند، نیاز عاطفی و رقابت و انگیزه مالی دلیل برقراری این روابط است. کرامت، موسوی، وکیلان، چمن (۱۳۹۲)، طبق تحقیق کیفی با عنوان آسیب‌شناسی ارتباطات قبل از ازدواج از دیدگاه پسران دانشجوی، به این نتیجه رسیدند که انگیزه پسران از این نوع روابط، انگیزه جنسی و انگیزه عاطفی و ضرورت آشنایی با روحیات جنس متفاوت است؛ با توجه به مورد آخر اگر روابط قبل از ازدواج، باعث شناخت با روحیات جنس متفاوت شود، پس رضایت زناشویی را بالا می‌برد.

1. Oljira, Behrhane. &Worku

2. Owen & Fincham

3. Manning.

4. Lyons, Manning, Giordano & Longmore

5. Dökmen

6. McIntyre & Edwards

7. Topal

8. Yanik

9. Blesk & Buss

لازم به ذکر است که بازخوردها و فشارهای اجتماعی برای یادگیری رفتارهای متناسب با جنسیت موثر است (آنالو^۱، ۲۰۱۲: ۲۶). در جامعه ما فضای غالب مردانه در کنار هنجارهای فرهنگی، فرصت بیشتری به پسران در برقراری ارتباطات دوستانه با غیرهمجنس و آزادی بیشتری در بیان علنی آن می‌بخشد و به همان‌سان امکان محافظه‌کاری و احتیاط بیشتر دختران را برای اظهار آن، افزایش می‌دهد (غفاری، ۱۳۸۶: ۹). نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش مقربیان، هاشمیان فر، غلامی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که تغییرات نگرشی در ارتباط با معاشرت و دوستی پیش از ازدواج یکی از نشانگان و مؤلفه‌های تغییرات گسترده‌ای است که در جامعه در حال شکل‌گیری است و این الگوی رفتاری به بعد از ازدواج و تشکیل خانواده هم کشیده می‌شود.

در این میان نکته‌ای که حائز اهمیت است، عوامل روی آوردن به چنین رابطه‌هایی می‌باشد. بر اساس پژوهش‌های پیشین از عوامل مهم روی آوردن به روابط متعدد عبارتند از: فرهنگ حاکم بین همسالان که کرسارو^۲ (۲۰۱۵) فرهنگ همسالان را به عنوان مجموعه‌ای پایدار از فعالیت‌ها یا کارهای روزمره، مصنوعات، ارزش‌ها و نگرانی‌هایی که نوجوانان تولید می‌کنند و در تعامل با همسالان سهیم هستند، تعریف کرد و همچنین شبکه‌های اجتماعی^۳ که تغییرات بنیادینی در سبک زندگی اجتماعی و فرهنگ جوامع مختلف ایجاد می‌کنند. این شبکه‌ها می‌توانند بر ادبیات افراد جامعه تأثیر بگذارند و پوشش آن‌ها و همچنین روابط با جنس متفاوت را دگرگون کنند (عاملی، ۱۳۸۸: ۹۸). پناهی (۱۳۸۴) به وجود توهم قدرت در پسران و توهم جاذبه در دختران برای روی آوردن به تعدد رابطه اذعان می‌کند. موسوی (۱۳۹۱) برخی از عوامل و زمینه‌های شخصیتی را عامل روی آوردن به چنین روابطی می‌داند: بی‌هویتی و بی‌هدفی در زندگی، یأس، ضعف حیا و حاکمیت اندیشه‌های فردگرایانه.

در تحقیق آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۰) مبتنی بر تبیین سنخ‌شناسی^۴ الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران، سه گفتمان پیشامدرن، مدرن و پسامدرن را مطرح می‌کنند که "روابط مبتنی بر عشق سیال"^۵ در گروه گفتمان پسامدرن جای می‌گیرد و با مفهوم پدیده تعدد روابط همبود است: این نوع رابطه از متأخرترین الگوهای رابطه در زیرپوست جامعه شهری است. از نگاه سوژه‌های دسته جدید، عشق رمانتیک^۶ پیش از ازدواج یک ضعف عمده دارد و آن هم این که هر لحظه ممکن است هر یک از طرفین

¹ Ünlü

² Corsaro.

³ Social networks

⁴ Typology

⁵ Relationship based on fluid love

⁶ Romantic love

این رابطه را ترک کند. به همین سبب، "ناامنی عاطفی"^۱ در این رابطه‌ها بسیار بالاست، نوعی ناپایداری که خود، ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی متنوعی دارد. لذا به تدریج بسیاری از افراد، به تجربه، دریافته‌اند که برای رابطه‌ای احتمالاً ناپایدار، انرژی عاطفی چندانی نگذارند که در زمان جدایی، آسیب چندانی نبینند. از طرفی، تعهدات متقابل، در حالت پیشین، عاملی محدودکننده برای سوژه‌های جدید پنداشته می‌شود. این عوامل، در کنار عواملی دیگر، زمینه شکل‌گیری "عشق سیال"^۲ را در جامعه فراهم کرده‌اند. عشق سیال محصول دوران مدرنیته متأخر و رویکردهای پسامدرن در غرب است. در این الگوی جدید، مفهوم عشق "بازتعریف" شده و در قاب نسبی‌تری شدید قرار گرفته است. این الگوی جدید از رابطه، تعهدهای سخت‌گیرانه و مطلق گرایانه عشق رمانتیک را نقض می‌کند و منکر ضرورت روابط صمیمانه و متعهدانه است (گیدنز^۳، ۱۹۹۲: ۳۴۵).

همانطور که گفته شد مساله مهم در باب تعدد روابط با جنس متفاوت، این است که روابط جنسی پیش از ازدواج، به تدریج و در طول زمان، خود را در الگوها و سنخ‌های متنوع بازتولید کرده و ریشه‌ها و علت‌های متفاوتی یافته است. تعدادی از پژوهشگران به نتایجی در مورد زمینه‌های^۴ مرتبط با پدیده تعدد روابط با جنس متفاوت دست‌یافته‌اند؛ از جمله: داش^۴ و همکاران (۲۰۰۳)؛ خلج آبادی فراهانی (۱۳۹۱)؛ مساریک^۵ و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقات خود دریافته‌اند افرادی که در خانواده مبدأ^۶ شاهد تجارب اختلاف زناشویی و جدایی^۷ بوده‌اند به‌عنوان عواقب زیان‌بار آن برای موفقیت‌های بعدی در رابطه عاشقانه خود، امکان بیشتری برای تجارب منفی و رفتن به سوی معاشرت‌های بدون تعهد آن‌ها وجود دارد.

اهمیت موضوع تعدد روابط با جنس متفاوت تا بدانجاست که تحقیقات نشان می‌دهند که روند افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج، یک روند جهانی است (گرمارودی، مکارم، علوی و عباسی، ۱۳۸۸: ۱۴ و آفاری^۸، ۲۰۰۹: ۲۵۰). بنابراین معاشرت‌های متعدد و پیشرفته قبل از ازدواج و در دوران جوانی می‌تواند پیامدهای منفی خلقی، عاطفی، جنسی، روانی، اخلاقی، نگرشی فردی - اجتماعی جبران‌ناپذیری داشته است. به گونه‌ای که روابط جنسی پیش از ازدواج، نه تنها بر روابط فعلی بلکه بر روابط آینده افراد نیز تأثیر

1. Emotional insecurity

2. Giddens

3. Causes

4. Dush.

5. Masarik

6. Family of origin

7. Divorce

8. Afary

می‌گذارد (خلج آبادی فراهانی، ۱۳۹۱: ۴۷۰)، احتمال جدایی را پس از ازدواج، به‌ویژه در سال‌های اولیه و حتی در بین آن‌هایی که رابطه پیشرفته را با همسرشان داشته‌اند؛ بیشتر کرده است (غدیری، فروتن، ۱۳۸۷: ۵۹۰؛ هیتون^۱، ۲۰۰۲: ۳۹۵؛ کلاین^۲ و همکاران، ۲۰۰۴: ۳۱۲).

یکی دیگر از مهم‌ترین اثرات تعدد روابط پیش از ازدواج، به اهمیت تجارب اولیه^۳ و خاطرات باقی‌مانده از آن‌ها مربوط است که در شرایط مشابه مدام مرور و با آن شرایط مقایسه خواهد شد (مولدن^۴، ۲۰۱۲: ۵۲۰). بدین ترتیب، شاید بتوان این امر را یکی از زمینه‌های اصلی بسیاری از پیامدهای معاشرت‌های پیشرفته و متعدد، دانست. از جمله؛ تأثیر منفی‌ای که در جریان تعدد روابط بر کیفیت ازدواج، همچنین پدیده معاشرت‌های متعدد تغییرات نگرشی^۵ و ارزشی^۶ نسبت به جنس متفاوت، همسر آینده، ماهیت ازدواج و تعهد^۷ ایجاد کرده است (خلج آبادی فراهانی، ۱۳۹۱: ۴۷۵). از دیگر پیامدهای این گونه روابط می‌توان به این مسئله مهم اشاره کرد که افزایش اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی، افزایش بیماری‌های جسمی و روحی، کاهش جمعیت، افزایش مجرد قطعی، کاهش امنیت خانواده و جامعه، گسترش روابط آزاد جنسی، تقدس زدایی از ازدواج و درنهایت تزلزل اجتماع، همگی تبعات سو این نوع شکل و فرم در رابطه‌ها است (سهراب زاده، پرینان، ۱۳۹۵: ۸۴). همچنین پژوهش شاطریان (۱۳۹۶) نشان می‌دهد افرادی که ارتباطات ساختار شکنانه قبل از ازدواج را تجربه کرده بودند، سازگاری پایین داشتند و ناسازگاری‌هایی از قبیل عدم همکاری در امور منزل، تصمیم‌گیری بدون مشورت، نداشتن تفریحات مشترک، بی‌تفاوتی و تظاهر به سازگاری و نیز در مسائل مذهبی، گزارش نمودند که حتی سازگاری‌های ایجاد شده توسط همسران نیز، تأثیری در حل اختلافات و ایجاد توافق نداشت و صرفاً مبنی بر تحمل کردن اظهار شد. همچنین این گروه بیشترین رفتارهای کنترل‌گرانه را بیان کردند.

با توجه به اهمیت موضوع و تاثیر گذاری آن بر حیطه‌های گوناگون خانواده، این پژوهش قصد داشت به بررسی کیفی پیامدهای این نوع روابط بپردازد. بنابراین نوآوری پژوهش حاضر از سه جنبه نظری، کاربردی و روش شناختی حائز اهمیت است. مشخص کردن پیامدهای این گونه روابط، و تبیین آن‌ها زمینه را برای پژوهش‌های آزمایشی در ادامه فراهم می‌کند. از سوی دیگر افزایش آمار طلاق و خیانت زناشویی در ایران، نیاز به مداخلات پیشگیرانه جهت پیشگیری از آسفتگی‌های

1. Heaton

2. Kline.

3. Primary experiences

4. Molden

5. Attitude

6. Value

7. Commitment

زناشویی و کاهش آمار طلاق در روابط پیش از ازدواج را ضروری می‌نماید و شناخت عمیق این موضوع به متخصصان حوزه خانواده و زوج درمانگران جهت درمان کمک شایانی می‌نماید. افزون بر این، به لحاظ روش شناختی تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی به کشف تجارب جوانان در یک بستر بومی می‌پردازد. بنابراین پژوهش حاضر از یکسو کمبودهای در این حیطه را جبران می‌کند و از سوی دیگر زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا سلامت روابط را افزایش دهد. لذا پژوهشگران در این پژوهش با انجام درصدد پاسخگویی به این مسئله برآمدند که «پیامدهای گرایش جوانان در روابط با جنس متفاوت چیست؟».

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش کیفی از نوع نظریه زمینه‌ای (مبنایی)^۱ است. نظریه زمینه‌ای نوعی روش تحقیق کیفی می‌باشد که برای بررسی فرایندهای اجتماعی موجود در تعاملات انسانی و ساختار و روندی که منجر به آن شده است، به کار می‌رود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۵۶). جامعه مورد مطالعه دختران و پسران مجرد ۲۵ تا ۳۵ ساله ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۶، به‌عنوان جامعه در نظر گرفته شدند. نمونه‌گیری در این مطالعه، به‌صورت هدفمند صورت گرفت و تا زمان رسیدن به اشباع نظری داده‌ها و عدم دستیابی به اطلاعات جدید، ادامه یافت که تعداد اعضای نمونه در نهایت به ۲۴ نفر (۱۳ دختر و ۱۱ پسر) رسید. اشباع داده‌ها رویکردی در پژوهش کیفی برای تعیین کفایت نمونه‌گیری است و زمانی رخ می‌دهد که داده‌ی بیشتری که سبب توسعه، بزرگ‌تر شدن یا اضافه شدن به مفاهیم موجود گردد، به پژوهش وارد نشود. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: تجربه، سن بین ۲۵ تا ۳۵، سکونت در شهرستان تهران، داشتن حداقل ۵ شریک جنسی/عاطفی تا زمان تحقیق. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عبارت بودند از: عدم تداوم رضایت شرکت‌کنندگان در پژوهش به ادامه دادن به فرآیند مصاحبه و اختلالات روان رنجوری پیشرفته و روان گسستگی. به عبارتی دیگر، افراد نمونه با توجه به ملاک‌های ورود و خروجشان در پژوهش و از طریق پرس‌وجو و تحقیق در میان گروه دانشجویان، دوستان و همسالان به صورت هدفمند انتخاب شدند.

به منظور جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر، از مصاحبه‌های عمیق کیفی از نوع نیمه ساختاریافته و سؤالاتی باز که اعتبار آن‌ها با اساتید این حوزه بررسی گردید، استفاده شد. شرکت‌کنندگان به سؤالات پاسخ می‌دادند و بر اساس پاسخ‌های ارائه شده سؤالات بعدی هدایت می‌شد. سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی، مصاحبه‌ها به دقت روی کاغذ پیاده سازی شد. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، در گزارش نقل قول‌ها از عبارات (شرکت‌کننده شماره ۱، ۲ و ...)

1. Grounded theory

استفاده گردید و مصاحبه‌ها بین ۶۰-۴۰ دقیقه متناسب با روایات، میزان تحمل و علاقه مشارکت‌کنندگان به طول انجامید. همچنین مصاحبه‌ها با هر فرد به‌طور جداگانه انجام شد و گفت‌وگو میان پژوهشگر و مشارکت‌کننده ضبط و پس از جلسه، صدا و مکالمه ضبط‌شده، پیاده گردید. در جهت صحت و استحکام داده‌ها در این پژوهش، سؤالات به شیوه‌های گوناگون و توضیحات جانبی پرسیده شد. آگاه بودن محقق نسبت به فرض‌ها و سوگیری‌های شخصی و داشتن حساسیت بالا نسبت به موضوع، داده‌ها و مشارکت‌کنندگان، از دیگر نکات رعایت شده در این راستا بود. پژوهشگر همچنین بازنمایی خلاقانه یافته‌ها و انطباق آن‌ها با تجربه شرکت‌کنندگان در تحقیق را، در نظر داشت.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی^۱ استفاده شد که یکی از رویه‌های پرکاربرد تحلیل در تحقیقات کیفی است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۲۰). طبق این روش، در این پژوهش پس از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی مصاحبه بر روی کاغذ، چندین مرتبه متن خوانده شد و در ادامه خواندن یافته‌های مهم هر مصاحبه و هم‌احساس شدن با افراد مشارکت‌کننده به منظور درک آن‌ها، استخراج جملات مهم در رابطه با پدیده مورد مطالعه، دادن مفاهیم خاص به جملات استخراج شده (فرمول بندی)، دسته بندی مفاهیم مشترک به دست آمده، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه ایده‌ها و ترکیب آن‌ها، توصیف نهایی پدیده مورد مطالعه و در نهایت بازگردانی توصیف پدیده‌ها به مشارکت‌کنندگان در راستای معتبرسازی نتایج انجام شد.

جهت بررسی اعتبار و صحت داده‌های پژوهش، از چهار معیار قضاوت شامل اعتبار^۲، انتقال پذیری^۳، اطمینان پذیری^۴ و تایید پذیری^۵ که توسط گوبا و لینکن (۱۹۸۵، ۱۹۹۴) پیشنهاد شده است استفاده شد. برای تضمین اعتبار، درگیری مداوم با موضوع و داده‌های پژوهش وجود داشت. از نظرات اساتید در ارتباط با روند انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها استفاده شد. برای بررسی اطمینان‌پذیری داده‌ها از نظارت همکاران متخصص استفاده شد و متن مصاحبه‌ها برای بررسی دقیق‌تر کدگذاری‌ها به همکاران ارائه شد. برای رسیدن به اصل انتقال‌پذیری، سعی شد از دختران و پسران در سطوح مختلف شغلی، اجتماعی و فرهنگی استفاده گردد. افزون بر این جهت تأمین تایید پذیری، سعی شد پژوهشگران قضاوت‌ها و سوگیری‌های خود را تا حد امکان در کار دخالت ندهند و با ثبت همه‌ی مراحل انجام کار و داده‌های حاصله و حفظ مستندات در تمام مراحل پژوهش به تضمین قابلیت تایید این پژوهش کمک نمایند.

^۱ colaizzi method

^۲ credibility

^۳ transferability

^۴ dependability

^۵ confirmability

یافته‌ها

نمونه پژوهش حاضر تعداد ۲۴ نفر (۱۳ دختر و ۱۱ پسر) بودند و اطلاعات جمعیت شناختی آن‌ها در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد نمونه

تعداد همسرها		تحصیلات	سن	جنسیت
برادر	خواهر			
	۱	۲ مدرک کارشناسی	۳۵	دختر
	۱	کارشناسی‌ارشد	۲۵	پسر
۱		کارشناسی	۲۷	دختر
۱		دانشجوی کارشناسی‌ارشد	۲۶	دختر
۳		کارشناسی‌ارشد	۲۵	دختر
	۲	کارشناسی‌ارشد	۳۱	پسر
۱		دانشجوی کارشناسی‌ارشد	۲۸	دختر
۲	۱	دانشجوی کارشناسی	۲۵	دختر
۲		دانشجوی کارشناسی	۲۹	دختر
۱		کارشناسی	۳۰	دختر
---	---	فوق دیپلم	۲۶	پسر
	۱	دیپلم	۲۸	پسر
---	---	کارشناسی	۲۷	پسر
۱	۲	دیپلم	۳۱	دختر
۱	۱	دیپلم	۳۲	دختر
	۲	کارشناسی	۲۶	پسر
۱	۱	مدرک زبان آموزشگاهی	۲۶	پسر
	۳	دیپلم	۳۳	پسر
۱		کارشناسی‌ارشد	۳۲	پسر
	۱	دانشجوی کارشناسی‌ارشد	۳۰	پسر
۱	۲	کارشناسی‌ارشد	۳۴	پسر
---	---	کارشناسی	۲۶	دختر
	۱	کارشناسی‌ارشد	۲۸	دختر
---	---	کارشناسی	۳۳	دختر

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود مشارکت کنندگان ۵۱/۴۶ درصد دختران و ۴۵/۸۳ درصد پسران هستند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۸ سال و میانگین میزان تحصیلات دیپلم (۱۶/۶۶ درصد)، فوق دیپلم (۴/۱۶ درصد)، کارشناسی (۳۷/۱۶ درصد) و کارشناسی ارشد (۴۱/۶۶ درصد) بود. در ادامه مطابق با سؤال اصلی پژوهش که پیامدهای گرایش به تعدد روابط با جنس متفاوت چیست؟ به ذکر یافته‌ها پرداخته شد.

جدول ۲: کدباز، کدمحوری و نقل قول‌های مشارکت کنندگان

کد محوری	کد باز	عبارات و مصادیق
کارکرد مثبت	کسب تجربه	<ul style="list-style-type: none"> - من خودم از نظر عاطفی خیلی آسیب دیدم ولی خب تصمیم گرفتم که از اون رابطه به درس بگیرم و اشتباهی اگر داشتم، در روابط بعدیم جبران کنم. - پیامد مثبتش اینه که فرد تجربه کسب می‌کنه و شناخت از خودش و جنس متفاوت به دست میاره.
	تکمیل کردن ملاک‌های ازدواج	<ul style="list-style-type: none"> - با افراد مختلف آشنا میشی و بالاخره اونی که می‌خوای رو پیدا می‌کنی؛ می‌تونه پیامد مثبتش باشه. - وقتی به ۳۰ سالگی می‌رسی و در طول این سال‌ها با آدم‌های مختلفی بودی، خب می‌تونی لیست ملاک‌هاتو تکمیل کنی و بدونی که واقعاً از زندگیت چی می‌خوای و دنبال چه جور آدمی هستی.
	همراهی	<ul style="list-style-type: none"> - سرگرم و تنها نیستی، این خوبه. - یکیو دارم که همراهمه دیگه.
بی‌ثباتی و ابهام در برقراری ارتباط اصلی در آینده	چالش‌های مقایسه روابط	<ul style="list-style-type: none"> - از نظر جنسی؛ اگه توی هر رابطه‌ای از نظر جنسی فعال باشی واقعاً افتضاحه. هم اینکه رفتارهای جنسی رو همش مقایسه می‌کنی بین رابطه‌ها و حتی بعداً تو ازدواج؛ هم اینکه پیش خودت میگی، چرا و چی باعث شده که با آدم‌های مختلف در ارتباط باشی و از نظر اخلاقی خودتو ببری زیر سؤال. - همش امکان مقایسه بین پسرای که باهاشونی پیش میاد. بعداً هم مخصوصاً وقتی بخوای به رابطه جدی رو شروع کنی باعث میشه مقایسه‌ها توی روابطت مشکل ایجاد کنه که اگه مسئله حادی باشه ممکنه باعث به هم خوردن روابط بشه. - مسلماً مقایسه پیش میاد. مدام رفتارهای دوست قبلی رو با دوست فعلی مقایسه می‌کنی؛ به خصوص رفتارهای جنسی و عاطفی رو.

	<p>اثر روابط ناتمام</p>	<p>- رابطه‌های قبلی تموم نمیشن، فرد اون رابطه رو با خودش میاره تو این رابطه؛ مثل تماس و دیدار با کیس قبل یا مقایسه‌های دائمی و در نتیجه تغییر خلق و خو و انتظارات و متوجه شدن طرف مقابل و ناراحت شدن و در اکثر مواقع کات کردن.</p> <p>- روابط قبلی هیچ وقت تموم نمیشن، وقتی نفر قبلی میاد سراغ آدم و تو الان با کیس دیگه‌ای هستی، تو لحظه احساس زنده میشه. بعد ممکنه طرفت هم متوجه بشه و این رابطه هم به هم بخوره.</p> <p>- به نظرم رابطه قبلی هیچ وقت تموم نمیشه. خاطره‌هاش همیشه توی ذهن هست.</p>
<p>کاهش کارکرد روابط بین فردی</p>	<p>کاهش اعتماد</p>	<p>- اثر نهایی بی‌اعتمادیه. اینکه وارد هر رابطه‌ای نمی‌تونی بشی و به هرکسی نمی‌تونی اعتماد کنی.</p> <p>- اینکه چند نفر رو ذخیره می‌کنم تو رابطه، طوری شده که فکر می‌کنم طرف مقابل هم همین کارو می‌کنه و این یه جورایی اعتماد رو می‌گیره.</p> <p>- انتظاراتت میره بالا و خیلی سخت انتخاب می‌کنی.</p> <p>- نمی‌تونی انتظاراتتو به اندازه اون شخص بیاری پایین.</p>
<p>ازدواج‌های پرخطر</p>	<p>ترس از رها شدن و شکست در ازدواج</p>	<p>- از ازدواج دیگه دارم می‌ترسم. می‌دونی حتی اینکه بعداً ممکنه تو ازدواج شکست بخورم و نتونم با یکی بمونم هم نه؛ شاید دیگه نتونم ازدواج کنم و با یکی وارد رابطه بلندمدت بشم چون همش ترس از رها شدن یهویی دارم؛ هم مقایسه رفتارها دائم جلوی چشممه.</p> <p>- هرچی روابط زودگذرتر باشه، ترس از ورود به رابطه بعدی و ازدواجتم انگار بیشتره که نکنه اونم زود کات بشه. اینا باعث میشه به‌مرور زمان برای حل این ترس، خودت بخوای که زود تموم کنی قبل از اینکه اون بذاره بره.</p>
<p>آسبیب‌های احساسی و روحی</p>	<p>ســـر خوردگی روحی</p>	<p>- روی موندن طولانی مدت و دائمی با یه نفر اثر میذاره من حتی همین الانم فکر می‌کنم که دیگه کلاً نمی‌تونم تحمل کنم همش یه نفر باهام باشه. واقعاً تحملش سخته.</p> <p>- باعث میشه تنوع طلب بشم و حتی بعد از ازدواج نتونم به یه نفر پایبند باشم.</p> <p>- در ازدواج هم نمی‌تونی با یه نفر بمونی و روند رو از سر می‌گیری و زندگیتم از هم می‌پاشه چون برات یه رابطه خسته کننده و کسل کننده میشه.</p> <p>- روح آسیب بیشتری نسبت به جسم می‌بینه، روح تکه تکه میشه.</p> <p>- وقتی درگیری احساسی زیادی وجود داشته باشه ممکنه افسردگی به دنبالش بیاد و آینده فرد رو تحت تأثیر قرار بده.</p> <p>- از نظر روحی روانی اذیت می‌کنه. ناراحتی میاره.</p> <p>- اینکه هرکسی وارد زندگی میشه باهاش به نتیجه نمی‌رسم خیلی اذیت میشم چون احساس بازنده بودن بهم دست میده. احساس می‌کنم مشکل از منه یا انتخابم دچار مشکله. این خیلی بهم فشار میاره و خیلی اذیتم می‌کنه.</p> <p>- وقتی قبل از اینکه احساساتمون ترمیم بشه، هی مته توپ میدیم دست این و اون، داریم هی شخم می‌زنیم.</p> <p>- تأثیرش روی احساس شخصی، احساسات خیلی زخمی و دست خورده</p>
	<p>دست خوردگی احساسی</p>	

		هستش.
	بی‌تفاوتی احساسی	- از نظر احساسی دچار بی‌تفاوتی میشی و میگی خب این نشد یکی دیگه اون نشد بعدی و این اصلاً خوب نیست. - دیگه احساست خالص نیست و در ازدواج شور و اشتیاق و انرژی در کار نخواهد بود. - در نهایت بی‌تفاوت و بی‌ذوق میشی که به هیجانات عاطفی و حسی نمی‌رسی. یک چیز انگار تموم میشه، احساسی که بکره.
	بیماری‌های مقاربتی	- از نظر پزشکی و بهداشتی هم طرفین دچار مشکل میشن؛ مثل بیماری‌های عفونی و مقاربتی. - اگر روابط آزاد و محافظت نشده جنسی رو با هر کسی یا حداقل با آدمای زیادی تجربه کنیم، افزایش احتمال خطر بیماری‌های عفونی، مقاربتی و ایدز رو، داریم.
	آسیب‌های جسمی	

در جدول بالا، اطلاعات مرتبط با پیامدهای تعدد رابطه با غیرهمجنس از دیدگاه افرادی که در این گونه روابط درگیر هستند، بیان شده است. کدهای محوری کارکرد مثبت، بی‌ثباتی و ابهام در برقراری ارتباط اصلی در آینده، کاهش کارکرد روابط بین فردی، ازدواج‌های پرخطر، آسیب‌های احساسی و روحی و آسیب‌های جسمی، از مفاهیم ذکر شده در همین رابطه، استخراج گردید.

جدول ۳: مجموعه کدهای باز، کدهای محوری و کدهای انتخابی پیامدهای پدیده تعدد روابط عاطفی با غیرهمجنس

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز	ردیف
کارکردگرایی	کارکرد مثبت	- کسب تجربه - تکمیل لیست ملاک‌های ازدواج - همراهی	۱
آسیب‌های ارتباطی	بی‌ثباتی و ابهام در برقراری ارتباط اصلی در آینده	- چالش‌های مقایسه روابط - اثر روابط ناتمام	۲
	کاهش کارکرد در روابط بین فردی	- کاهش اعتماد - مبهم شدن انتظارات	۳
	ازدواج‌های پرخطر	- ترس از رها شدن و شکست در ازدواج - تنوع‌طلبی در رابطه اصلی در آینده	۴
	آسیب‌های احساسی و روحی	- سرخوردگی روحی - دست‌خوردگی	۵

آسیب‌های درونی	احساسی	
	- بی تفاوتی احساسی	
	- بیماری‌های مقاربتی	۶
	آسیب‌های جسمی	

همانطور که در جدول سه مشخص شده است در نهایت تعداد ۳ مضمون انتخابی شامل کارکردگرایی، آسیب‌های ارتباطی و آسیب‌های درونی، ۶ مضمون محوری و ۱۳ مضمون باز حاصل شد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش شناسایی پیامدها و آثار پدیده تعدد روابط عاطفی با جنس متفاوت در زمینه‌های روانی، جنسی و مانند آن، بود. در این رابطه کدهای انتخابی کارکردگرایی، آسیب‌های ارتباطی و آسیب‌های درونی به دست آمد. بنابراین یکی از آثار پدیده تعدد روابط عاطفی با جنس متفاوت، کارکردگرایی با زیرمضمون کارکرد مثبت است. تعدادی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، تصورشان این بود که اینگونه روابط به آن‌ها کمک می‌کند تا شناخت قوی‌تری نسبت به خود و طرف مقابل پیدا کنند و بتوانند در شروع رابطه بعدی اعمال نمایند. آن‌ها بدین ترتیب در هر رابطه دارای لیستی از ملاک و معیارها می‌شوند که در مجموع فکر می‌کنند حالا بعد از این رابطه‌ها می‌دانند که برای ازدواج باید مجموعه‌ای از چه معیارهایی داشته باشند. همچنین به‌زعم آنان داشتن رابطه یعنی وجود یک همراه در موقعیت‌های گوناگون زندگی که با او احساس تنهایی نمی‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، طبق نظریه مبادله رابطه با جنس مخالف خارج از چارچوب و قواعد پذیرفته شده فرهنگی یک مبادله بین دو جنس در نظر می‌گیرد. مطابق این نظریه، محیطی که رفتار در آن رخ می‌دهد (خواه اجتماعی و خواه فیزیکی) از رفتار تأثیر می‌پذیرد و آن هم به نوبه خود به روش‌های گوناگون بازخورد دارد. این واکنش (مثبت، منفی و خنثی) بر رفتار بعدی کنشگر اثرگذار است. اگر این واکنش برای کنشگر پاداش داشته باشد، احتمال دارد همان رفتار در آینده در موقعیت‌های مشابه تکرار شود، اما اگر این واکنش برای کنشگر، آسیب، تنبیه یا پیامد منفی داشته باشد، احتمال تکرار آن کاهش می‌یابد (ریترز^۱، ۱۳۹۰: ۲۳۶)؛ بنابراین، در نظریه مبادله، رفتار انسان شبیه مدل‌های اقتصاد و سود و زیان در بازار است؛ یعنی انسان‌ها خواهان حداکثر پاداش و حداقل هزینه هستند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۱۲۵). در پژوهش حاضر نیز دیده شده به دلیل سودآوری رابطه با جنس متفاوت

^۱ Ritzer

نظیر کسب تجربه و همراهی در بعضی موارد، افراد وارد آن می‌شود. همچنین طبق پژوهش محمدی و محمدی (۱۳۹۵) و الگوی برآمده از داده‌ها، رابطه با جنس مخالف دارای پیامدهای مثبت (آرامش عاطفی) متعددی برای نوجوانان دختر و پسر است. همین امر سبب شده است که نوجوانان براساس تجربه و اطلاعات ناشی از آن، در این رابطه بازاندیشی کنند. غلبه پیامدهایی مانند وابستگی، کسب منزلت اجتماعی، آرامش عاطفی و لذت جنسی اینگونه روابط سبب شده است که نوجوانان درجهت حفظ آن در اشکال مناسب‌تری برآیند و راهبردهای جدیدی را در این زمینه در پیش بگیرند. به عبارت دیگر، نوجوانان از طریق تجربه جنسی و آرامش روحی و ارزشی کردن، رابطه با جنس مخالف را در جامعه بازتولید می‌کنند.

از پیامدهای دیگر، آسیب‌های ارتباطی است که بی‌ثباتی و ابهام در برقراری ارتباط اصلی در آینده، کاهش کارکرد در روابط بین فردی و ازدواج‌های پرخطر را دربر می‌گیرد. یافته‌های این مضمون با پژوهش‌های شرف پور (۱۳۹۴)؛ یوسفی سهرابی (۱۳۹۵)؛ شاطریان (۱۳۹۶) و مولدن (۲۰۱۲)، همسو است. همچنین در تحقیق حاجیلری (۱۳۸۴) نیز ۵۷/۸ درصد از مشارکت‌کنندگان معتقد به ایجاد مشکلاتی در آینده برای روابط دوستانه و جنسی بودند. وسیلنکو^۱ و همکاران (۲۰۱۴) و شولمن و کونلی^۲ (۲۰۱۷)، نیز در پژوهش‌های جداگانه‌ای به تعمیم تجارب جنسی در نوجوانی و جوانی به‌عنوان یک الگو در روابط آتی و عدم موفقیت در رابطه عاطفی مثبت دست یافتند. همچنین اسدیان و همکاران (۱۳۹۴) نیز، به بحث بی‌اعتمادی به جنس متفاوت حتی در ازدواج در پژوهش خود رسیدند. سهراب‌زاده و پرنیان (۱۳۹۵) هم، به افزایش نرخ مجرد قطعی و کاهش شمار ازدواج‌ها در جامعه اشاره می‌کنند. در تبیین بیشتر این مضمون می‌توان اشاره کرد که طبق نظریه عشق سیال باومن^۳ (۱۹۹۰) سرمایه‌گذاری در رابطه خطرناک است؛ زیرا یک رابطه، هم دارای جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌های منفی است و نمی‌توان آن را تنها تا زمانی خواست که برای فرد مطبوع باشد. اغلب، این جنبه‌های خوب و بد همزمان در رابطه وجود دارند و مطابق با بافت فرهنگی تاثیرات بعضاً مخربی برای افراد دارد (باومن، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۳۷). مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر نیز اکثر مشارکت‌کنندگان اشاره داشتند چالش‌های مقایسه کردن، ترس، تنوع‌طلبی و بی‌اعتمادی در روابط آتی گریبان‌گیر آنان است و به همین خاطر احساس ناامنی بسیاری را با خود حمل می‌کنند.

¹ Vasilenko

² Shulman & Connelly

³ Bauman

آسیب‌های درونی نیز یکی دیگر از مضامین به دست آمده در پژوهش حاضر است که شامل آسیب‌های احساسی و روحی و آسیب‌های جسمی می‌باشد. در میان افرادی که دارای رابطه با جنس متفاوت بودند، در اثر مسائل مختلفی چون تنوع‌طلبی یا بی‌اعتمادی و سایر کدهای بحث شده قبلی روابطشان به جدایی یا تعدد کشیده می‌شد و احساسات سرخورده‌گی، بی‌تفاوتی و حتی افسردگی در آنان دیده می‌شود. چراکه در اثر تکرار، احساسات دست‌نخورده، آسیب‌دیده شده کم‌کم در آن‌ها نهادینه می‌شود و شور و اشتیاق و هیجان لازم را در ازدواج از آنان می‌گیرد. به‌علاوه این‌که گاهی افراد در اثر تماس‌های جنسی مکرر و پرخطر، دچار بیماری‌های مقاربتی از جمله «ایدز» می‌شوند که در این صورت خطر مضاعف شده و از آن‌ها پیکره‌ای فاقد سلامت احساسی و جسمی باقی می‌ماند. یافته‌های این مضمون با تحقیق اسدیان و همکاران (۱۳۹۴)؛ شرف پور (۱۳۹۴)؛ فیشر^۱ و همکاران (۲۰۱۲) و کلکستون و ون دالمن^۲ (۲۰۱۳) در زمینه کمبود شور و شوق احساسی و سردمزاجی، آسیب دیدن، تأثیر بر بهزیستی روانی، افسردگی و کج‌خلقی همسو است. آزاد ارمکی و شریفی ساعی (۱۳۹۰)؛ سهراب‌زاده و پرنیان (۱۳۹۵) و میوزی و فیکلمن^۳ (۲۰۱۳)، در پژوهش خود به افزایش بیماری‌های جسمی و رشد عفونت‌های مقاربتی رسیده‌اند. لاسترمن^۴ (۱۹۹۸) معتقد است وقتی فرد در روابطی قرار می‌گیرد که جنبه‌های منفی آن بیشتر از مثبت است، احساس خوب و معقولی که نسبت به خود دارد، تبدیل به احساسات منفی و واکنش‌های رفتاری نامناسب می‌شود و این امر زمینه‌ساز آسیب‌های روانی و جسمانی می‌گردد.

تحلیل پیامدهای رابطه با جنس مخالف در دوره جوانی بیانگر آن است که این گروه از جوانان تهرانی، پیامدهای رابطه با جنس مخالف را در ابعاد و اشکال مختلف و متناقض تجربه می‌کنند. چنین نتیجه‌ای، با نظریه عشق سیال زیگموند باومن همخوانی دارد. از نظر زیگموند باومن، رابطه یکی از دغدغه‌های جامعه مدرن سیال است و افراد به دنبال رابطه با دیگری هستند. به زعم باومن، رابطه دارای جنبه‌های مثبت و منفی است، اما انسان‌های امروزی، روابط را تنها با خوبی‌های آن می‌خواهند و نه با مشکلاتش؛ بنابراین، روابط امروزی ناپایدار و سیال اند و هیچگونه تعهد و پایبندی در آن‌ها وجود ندارد (باومن، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۵).

¹ Fisher

² Claxton & Van Dulmen,

³ Musie & Finkleman

⁴ Lusterman

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه بود. از آنجاکه مؤلفه‌های زندگی در جوامع گوناگون، متفاوت است، بنابراین نتایج این تحقیق را که در شهر تهران انجام گرفته، نمی‌توان به شهرهای کوچک تعمیم داد. همچنین با توجه به شتاب تغییرات نسلی، در میان جوانان و افزایش روزبه‌روز فاصله میان آن‌ها، نتایج این پژوهش را به‌دشواری می‌توان به بازه سنی پایین‌تر، تعمیم داد. بنابراین پیشنهاد می‌شود تحقیق طولی در میان جوانان مجرد با تعدد رابطه عاطفی و بررسی الگوهای رفتاری و تعاملی آن‌ها در زندگی آینده و پس از ازدواج انجام می‌گیرد و تحقیقاتی در مورد زندگی دوران تجرد و دوستی با جنس متفاوت در میان مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره و دادگاه‌های خانواده با گزارش روابط فرازناشویی صورت گیرد.

کتابنامه

- آزاد ارمکی، محمدتقی، و ملکی، امیر (۱۳۸۶). تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان. **نامه علوم اجتماعی**. (۳۰): ۹۷-۱۲۲.
- آزاد ارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی روابط آنومیک در ایران. **فصلنامه خانواده‌پژوهی**. ۷ (۲۸): ۴۳۵-۴۶۲.
- آزاد ارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمدحسین، ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. **جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**. ۲ (۲): ۱-۳۴.
- اسدیان، داود، محمدزاده، علی، نجفی، محمود (۱۳۹۴). بررسی نگرش به دوستی با جنس مخالف در بین دانشجویان دختر و پسر. **مجله تحقیقات علوم رفتاری**. ۱۳ (۳): ۵۰۹-۵۱۸.
- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴). **عشق سیال؛ در باب ناپایداری پیوندهای انسانی**، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس
- پناهی، علی احمد (۱۳۸۴). دوستی از منظر دینی؛ با نگاهی به شرایط دوستی دختر و پسر. **مجله معرفت**. (۹۷): ۵۴-۶۵.
- حاجیلری، عبدالرضا (۱۳۸۴). شناخت نگرش دانشجویان پیرامون وضعیت روابط دختر و پسر در دانشگاه‌ها و آگاهی آن‌ها از حدود شرعی روابط بین دو جنس. تهران: معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی.
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده و مهریار، امیر هوشنگ (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. **فصلنامه خانواده‌پژوهی**. ۶ (۲۴): ۴۴۹-۴۶۸.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر، سلیمانی، زکیه (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد. **فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**. ۱۲ (۴۵): ۳۳۹-۳۶۴.
- سهراب زاده، مهران، پرنیان، لیلا (۱۳۹۵). سنخ‌بندی گرایش به ازدواج در بین دختران مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز. **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**. ۹ (۱): ۸۳-۱۱۴.
- شاطریان، مریم (۱۳۹۶). بررسی کیفی نقش ارتباطات قبل از ازدواج در رفتارهای کنترل‌گرایانه و سازگاری همسران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

شرف پور، فرزانه (۱۳۹۴). بررسی کیفی نقش روابط قبل از ازدواج بر رضایت زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶). روابط و ارزش‌های اجتماعی جوانان ایرانی. **فصلنامه مطالعات جوانان**. ۲ (۸) و ۹: ۷-۳۲.

طالبی، ژاله (۱۳۸۳). روابط اجتماعی در فضاهای شهری. **نامه علوم اجتماعی**. (۲۴): ۱۶۱-۱۸۰.
 عاملی، سعید رضا (۱۳۸۸). **شبکه‌های علمی مجازی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 عسگری، حسین (۱۳۹۰). **نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی و طلاق**. تهران: گفتگو.

غدیری، ماهرو و فروتن، سید کاظم (۱۳۸۷). اختلالات جنسی، عامل پنهان طلاق: ضرورت پزشک آموزش‌دیده در ترکیب کارشناسان مرکز مشاوره خانواده. **فصلنامه خانواده پژوهی**. ۴ (۱-۱۶): ۵۸۵-۶۰۸.
 کرامت، افسانه، موسوی، سید عباس، و کیلیان، کتابیون، چمن، رضا (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی ارتباطات قبل از ازدواج از دیدگاه پسران دانشجو. **فصلنامه پایش**. ۱۲ (۳): ۲۳۳-۲۴۲.

کرمی پور، یعقوب، حقیقتیان، منصور و اسماعیلی، رضا (۱۳۹۳). تأثیر مراکز مشاوره قبل از ازدواج در میزان رضایتمندی از روابط زناشویی. اولین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.

کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۷). **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی**، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشرنی.

گرمارودی، غلامرضا، مکارم، جلیل، علوی، سیده شهره و عباسی، زینب (۱۳۸۸). عادات پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان شهر تهران. **فصلنامه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی (پایش)**. ۹ (۱): ۱۳-۱۹

مقربیان، مریم، هاشمیان فر، سید علی، غلامی، محبوبه (۱۳۹۳). تجددگرایی و روابط پیش از ازدواج؛ پژوهشی مقایسه‌ای در بین زنان مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران در سال ۱۳۹۰. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری.

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸). مرادوات اجتماعی دختران و پسران ایرانی. **فصلنامه گزارش**. ۱۸ (۲۱۲): ۱۶-۱۸.

محمدی، فردین و محمدی، حسین (۱۳۹۵). مطالعه کیفی پیامدهای ارتباط با جنس مخالف در میان نوجوانان دختر و پسر، **مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، ۵ (۴): ۶۶۲-۶۴۱

محمدپور، احمد (۱۳۹۲). **روش تحقیق کیفی ضد روش ۱**. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
 موسوی، سید رضا (۱۳۹۱). عوامل و زمینه‌های گسترش روابط دختران و پسران با رویکرد به عوامل شخصیتی. **مجله معرفت**. ۲۱ (۱۷۶): ۸۵-۹۸.
 یوسفی سهرابی، نوید (۱۳۹۵). مقایسه تعهد، ثبات و رضایت زناشویی در مردان متأهل، با توجه به روابط پیش از ازدواج (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

Afary, J. (2009). **Sexual politics in modern Iran**. Cambridge: Cambridge University Press.

Blesk, A. L., & Buss, D. M., (2001). Opposite-sex friendship: Sex differences and similarities in initiation selection and dissolution. **Personality and Social Psychology Bulletin**, 27(10), 1310-1323.

Cohan, C. L., & Kleinbaum, S. (2002). Toward a greater understanding of the cohabitation effect: Premarital cohabitation and marital communication. **Journal of Marriage and the Family**, (64), 180-192.

Claxton, S. E., & Van Dulmen, M. H. M. (2013). Casual sexual relationships and experiences in emerging adulthood. **Journal of Emerging Adulthood**, 1(2), 138-150. Doi: 10.1147/2167696813487181

Corsaro, W. A. (2015). **The sociology of childhood** (4th ed.). Washington, DC: Sage Press.

Dökmen, Z. Y. (2009). **Toplumsal cinsiyet**. [Gender]. Sosyal psikolojik açıklamalar. İstanbul: Remzi Kitabevi.

Dush, C. M. K. Cohan, C. L. & Amato, P. R. (2003). The relationship between cohabitation and marital quality and stability: Change across cohorts? **Journal of Marriage and the Family**, 65(3), 539-549.

Fisher, M. L., Worth, K., Garcia, J. R., & Meredith, T. (2012). Feelings of regret following uncommitted sexual encounters in Canadian university students. **Journal of Culture, Health & Sexuality**, (14), 45-57.

Furman, W., & Collins, W. A. (2009). Adolescent romantic relationships and experiences. In K. H. Rubin, W. Bukowski & B. Laursen (Eds), **peer interactions, relationships and groups** (pp. 341-360). New York, NY: Guilford.

Giddens, A. (1992). **The transformation of intimacy: Sexuality, love, & eroticism in modern societies**. California: Stanford University Press.

Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. **Handbook of qualitative research**, 2(163-194), 105.

Heaton, T. B. (2002). Factors contributing to increasing marital stability in the United States. **Journal of Family Issues**, (23), 392-409.

Kline, G. H, Stanely, S. M, Markman, H. J, Olmos-Gallo, P. A, S. T. Peters M, Whitton, S. W. & Prado, L. M. (2004). Timing is everything: Pre-engagement cohabitation and increased risk for marital outcomes. US National Library of Medicine; **National Institutes of Health**, 18(2), 311-318.

Lusterman, D. (1998). **Infidelity: A survival guide**. New Harbinger Publications, Inc

Lyons, H., Manning, W. D., Giordano, P., & Longmore, M. (2013). Predictors of heterosexual casual sex among young adults. **Archives of Sexual Behavior**, (42), 585-593.

McIntyre, M. H., & Edwards, C. P. (2009). The early development of gender differences. **Annual Review of Anthropology**, 38, 83-97.

Molden, D, (2012). **How to manage with NLP** (3rd ed; Pearson UK, 2012).

Musie, S. G., & Finkleman, D. M. (2013). The effect of premarital sex on sexually transmitted infections (STIs) and high risk behaviors in women. **Published in final edited form as: Journal of AIDS HIV Res.** (5), 59-64.

Oljira, L., Behrhane, Y., & Worku, A. (2012). Pre-marital sexual debut and its associated factors among in-school adolescents in eastern Ethiopia. **Journal of BMC Public Health**, (12), 375-379. Doi: 10.1186/1471-2458-12-375

Owen, J, & Fincham, F, D. (2011). Effects of gender and psychological factors on “feriends with benefits” relationships among young adults. **Archives of Sexual Behavior**, (40), 311-320.

Pettit, G. S., Rauer, A.J., Lansford, J. E., Bates, J. E., & Dodge, K. A. (2013). Romantic relationship patterns in young adulthood and their developmental antecedents. **Journal of Developmental Psychology**, (49), 2159-2171.

Rossi, E., Poulin, F., & Boislard, M. A. (2016). Trajectories of annual number of sexual partners from adolescence to emerging adulthood: Individual and family predictors. **Journal of Youth and Adolescence**, 45(5), 995-1008. Doi: 10.1007/s10964-016-0571-6

Shulman, S., & Connelly, J. (2013). The challenge of romantic relationships in emerging adulthood: Reconceptualization of the field. **Journal of Emerging Adulthood**, (1), 27-39.

Topal, Ö. (2012). **The construction of gender: the example of a 7-12 age group** [Gender building: example of a group of 7- to 12-year-olds] (Master thesis). Karadeniz Teknik University, Trabzon.

Ünlü, A. (2012). Investigation of gender role behaviors of preschool children according to some variables [Investigation of gender role behavior of preschool children by some of the variables] (Master thesis). Selcuk University, Konya

Vasilenko, S. A., Lefkowitz, E. S., & Welsh, D. P. (2014). Is sexual behavior healthy for adolescents? A conceptual framework for research on adolescent sexual behavior and physical, mental, and social health. **Journal of New Directions for Child and Adolescent Development**, (144), 3-19.

Yanık, B. (2018): Children's relationships with the opposite sex inside peer culture: the case of rural children in Turkey, **Early Child Development and Care**. 10, 50-65.

Investigate the consequences of young tendency toward the have multiple relationships whit different sexes

Zahra Khaninzadeh, Ebrahim Naimi, Kiomars Farahbakhsh

Abstract

The aim of this study was to explain the consequences of young tendency to have multiple relationships with the opposite sex. To understand the experience of the participants, this research was conducted using a qualitative method of contextual theory. The statistical population was single girls and boys aged 25 to 35 years old living in Tehran in 1396, from which 24 people (13 girls and 11 boys) were selected by purposive sampling method until information saturation. Semi-structured in-depth interviews were used to collect data and data analysis was performed by Colaizzi method (open coding, axial coding, selective coding). The research findings indicate that the most important consequences of multiple relationships with the opposite sex from the perspective of people involved in such relationships are: positive function, instability and ambiguity in the main relationship in the future, reduced interpersonal function, High-risk marriages, emotional and physical injuries, and physical injuries. According to the present study, the consequences of such relationships can be concluded that the multiplicity of relationships causes a lot of internal and interpersonal damage that ultimately leads to family inefficiency and poor quality of communication in the family.

Keywords: Relationships with the opposite sex, young, outcomes, qualitative